

نقد و بررسی کتاب معجزه تاجیک: تاریخ و نظریه

○ دکتر لقمان بایمت اوف

کتاب پژوهشگر و تاریخنگار برجسته تاجیک پرفسور نعمان نعمت اوف به بررسی مهمترین مسائل تاریخی و فرهنگی مردم تاجیک، اختصاص دارد.^۱

چنانکه نویسنده اشاره می‌کند این کتاب حاصل ۴۵ سال فعالیت و پژوهش در مورد تاریخ کهن و قرون وسطای آسیای مرکزی و قسمتی از تاریخ ایران است.

این کتاب شامل پیشگفتار مؤلف و هفت فصل است. در فصل اول نویسنده دیدگاه جدید خویش را نسبت به مسائل مختلف تاریخ مردم تاجیک و پیشنهادهایی چند در مورد اصطلاحات علم تاریخ و فلسفه تاریخ تاجیکستان ارائه داده است. یکی از ویژگیهای این فصل آن است که نویسنده دوره‌بندی تاریخ آسیای مرکزی را دوباره بازبینی کرده و طرح جدیدی ارائه داده است. فصل دوم کتاب مربوط به شکل‌گیری ملیت تاجیک است.

مؤلف در فصل سوم که به احیاء تاجیکان (از ساسانیان تا سامانیان) مربوط است، ویژگی‌های تمدن سغدی و روند انتقال این تمدن به نسل‌های بعدی در طول تاریخ را مورد بررسی قرار داده است.

فصل چهارم کتاب مربوط به شش قرن معجزه تاریخی تاجیکان (۱۰ - ۱۵ م) است.

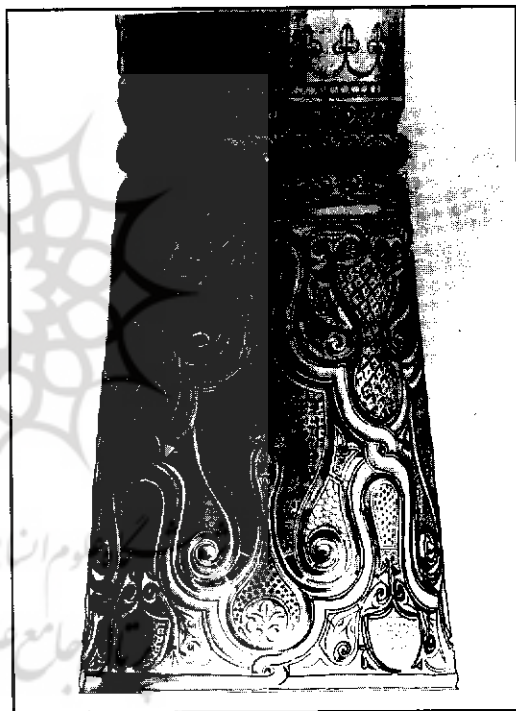
در فصل پنجم نیز «معجزه تاجیکی در شرق و غرب» مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل ششم کتاب، در مورد مسائلی چون مراحل روند تحول فرهنگی و ترکیب نژادی، حوادث، پدیده‌ها و مراحل شکل‌گیری ملیت، احیا و معجزه تاریخی تاجیکان، دست آورد ما و ناکامی‌های تاجیکان بحث می‌کند.

فصل هفتم کتاب نظریه، دولت مردمی تاجیک را مورد بحث قرار می‌دهد.

همچنین کتاب مشتمل بر یک نتیجه و فهرست منابع و مأخذ به زبان‌های مختلف است.

معرفی مفصل این کتاب که به عنوان یک تحقیق جداگانه از جانب آکادمیسین محمدجان شکوری تحت عنوان معجزه تاجیک



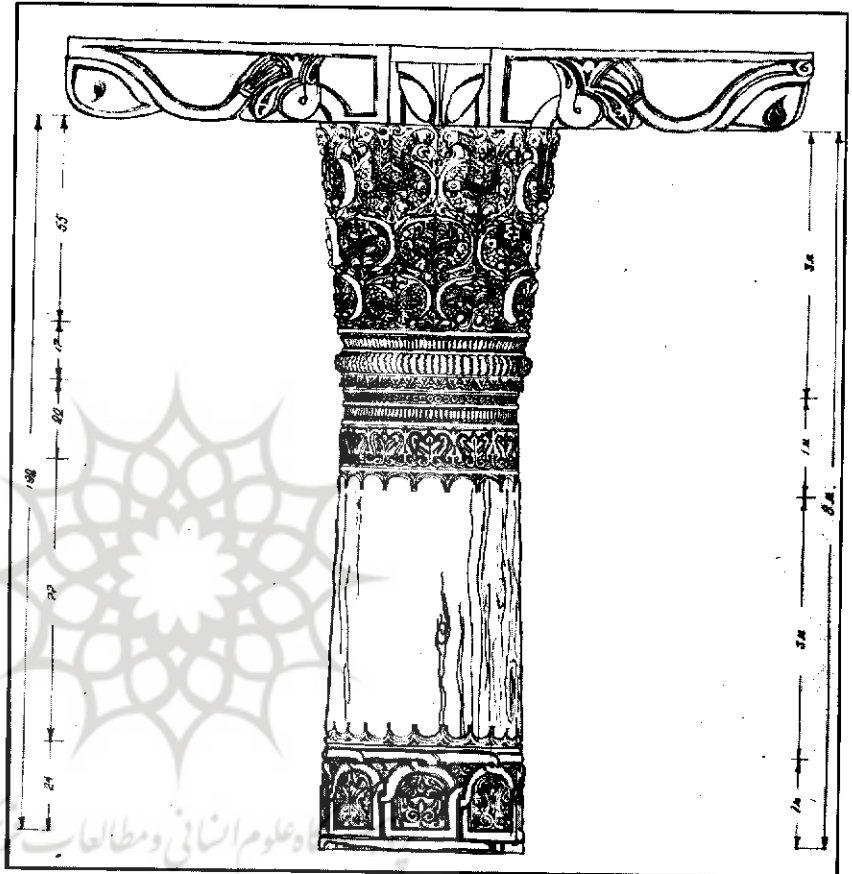
ستون مسجد کروت - قرن‌های ۲-۴ هـ/۱۰۰۹-۱۰۰۶ م.
تاجیکستان بالا آب زرافشان

○ معجزه تاجیک: تاریخ و نظریه

○ تألیف: نعمان نعمت اوف

○ ناشر: آل سامان، دوشنبه، ۱۹۹۷ (به زبان روسی)

Todzhikskiy fenomen: istoriya i teoriya,
Negmatov N.N, izd: Ali Saman, Dushanbeh, 1997.



«نعمان نعمت اوف» تاریخ آسیای مرکزی را به عنوان «تاریخ حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی» می‌بیند

نویسنده براساس اسناد فراوان باستان شناسی، تاریخی، زبان شناسی، مردم شناسی و... نشان می‌دهد که اجزاء مردم تاجیک عبارت‌اند از اقوام ایرانی زبان مناطق بزرگ آسیای مرکزی (یعنی سغدی‌ها، اسروشنی‌ها، مرغیانی‌ها، پارت‌ها، خوارزمیان، فرغانیان) و اقوام مختلف سکایی بیابان آسیای مرکزی و سکایی‌های تیان‌شان و پامیر علیا.

مؤلف در شکل‌گیری ملیت تاجیک، جایگاه اقوام هیاطله و ترکان که در قرن چهارم تا هشتم به حدود آسیای مرکزی وارد شدند و نیز ورود اعراب که حتماً در آسیای مرکزی ساکن شده بودند را ذکر می‌کند

بحث و بررسی مفصل قرار داده، مسائل تاریخ سیاسی - اجتماعی و اقتصادی - فرهنگی آسیای مرکزی و ایران است. در این مبحث نویسنده، تاریخ آسیای مرکزی را به عنوان «تاریخ حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی» می‌بیند و یکی از مهمترین پیشنهادات او تقسیم‌بندی تاریخ آسیای میانه است. او این منطقه را از لحاظ تاریخی به پنج دوره تقسیم می‌کند که با دوره‌بندی سابق محققین شوروی تفاوت دارد. تقسیم‌بندی تاریخی او به این ترتیب است:

دوران اول: تشکیل اولین اجتماع انسان‌ها از هشتصد هزار تا پنج هزار سال قبل از میلاد.

دوره دوم: ساخت طبقاتی جامعه از چهار تا دو هزار سال قبل از میلاد.

دوره سوم: مربوط به تشکیل دولت از ۱۰۰۰ ق. م تا سده‌های اول میلادی می‌باشد.

دوره چهارم: دوره فتودالی، «از سده ۴ تا سده ۱۹ میلادی»

دوره پنجم: دوره تلاش و تکاپو در راه تشکیل جامعه بهتر،

آکادمیسین نعمان نعمت اوف و اهمیت وی صورت گرفته و این معرفی نیز از ارزش علمی برخوردار است.^۲

نعمت اوف در پیشگفتار کتاب خود، پژوهشها و نوشته‌های دانشمندان شوروی سابق و محققان خارجی در مورد تاریخ مردم تاجیک را به اختصار معرفی و نقد و ارزیابی کرده، تلاش نموده تمام این تألیفات را از لحاظ دوره و موضوع تقسیم‌بندی نماید. و ضمن این نقد خویش، نویسنده در رابطه با ویژگی‌های تاریخ نگاری زمان شوروی اطلاعاتی آورده، می‌نویسد: از ویژگی‌های این زمان این بود که تحقیقات و نظریات محققان متأثر از سیاست و ایدئولوژی دولت بود و این خود مانع از ذکر حقایق تاریخی می‌شد.

نویسنده در مرحله‌بندی تاریخ و تاریخنگاری، سال ۱۹۹۱ م را که در این سال تاجیکستان استقلال خود را بدست آورد به عنوان آغاز مرحله جدید تاریخ تاجیکستان معرفی می‌کند و تأکید می‌کند که تمام تاریخ مردم تاجیک باید مجدداً نوشته شود. (ص ۲۳)

یکی از موضوعات مهم تاریخی که نعمت‌اوف در این اثر مورد

«نعمان نعمت اوف» به تحول زبان و ویژگی‌های این روند در طول تاریخ (تاجیکستان تاریخی) بیشتر توجه می‌کند. این بخش از دیدگاه علم زبان‌شناسی ایران قابل توجه است و نقد و بررسی این موضوع، خود مسأله جداگانه‌ای است.

به نظر «نعمت اوف» کلمه تاجیک به عنوان یک ملیت در دوران ساسانیان و بعد از آن وجود داشت و نویسنده نشان می‌دهد، تاجیکان مردمان فارسی زبان ماوراءالنهر می‌باشند که در دوران ساسانیان تا سامانیان در این حدود زندگی می‌کردند. مؤلف معتقد است که زبان فارسی، همان زبان تاجیکی است و تاجیک نیز، همان زبان فارسی است.

یعنی دوران جدید، از نیمه سده ۱۹ تا اواخر سده ۲۰ و نویسنده این دوره را به دو مرحله تقسیم کرده است. مرحله اول: تاجیکستان تاریخی و امپراطوری روسیه. (سالهای ۱۸۶۶ تا ۱۹۱۷ م).

مرحله دوم: تأسیس تاجیکستان معاصر در محدوده کوچکی از مردم تاجیک زبان آسیای مرکزی از سال ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۹ و از ۱۹۲۹ تا ۱۹۹۱ م (ص ۴۳ - ۴۰)

چنانکه می‌بینیم دیدگاه پروفیسور نعمت اوف در مورد تقسیم‌بندی تاریخ تاجیکان، نگاه جدیدی است و البته این موضوع را نمی‌توان به آسانی پذیرفت و از سوی دیگر نمی‌توان آن را بطور مطلق رد کرد لیکن پژوهش‌ها و بررسی‌ها در این مورد هنوز ادامه دارد.

یکی از موضوعات دیگر مورد بحث پروفیسور نعمت اوف در این بخش مسأله تاریخ شکل‌گیری مردم تاجیک در آسیای مرکزی است.

با وجود اینکه نویسنده، تحقیقات و پژوهش‌های دانشمندان شوروی را در رابطه با این موضوع به خوبی ارزیابی می‌کند، ولی معتقد است که مسائل اصلی تاریخ شکل‌گیری مردم تاجیک هنوز هم به صورت همه جانبه مورد بررسی قرار نگرفته است. برای رفع این مشکلات نویسنده، برنامه مفصل تحقیق و پژوهشی در مورد نژاد، اقوام و شکل‌گیری ملیت‌های سیاسی مرکزی که مشتمل بر هفت مسأله بزرگ و ۶۰ موضوع جزئی‌تر است، پیشنهاد می‌کند. می‌توان گفت که هر یک از این برنامه‌های پیشنهاد شده می‌تواند به عنوان یک طرح پژوهشی کامل در مؤسسات علمی تحقیقاتی انجام شود (ص ۵۳ - ۴۳).

یکی دیگر از موضوعات مورد بحث نعمت اوف، مربوط به دوره‌بندی تاریخ تمدن و ترکیب نژادی ایرانیان و تاجیکان می‌باشد، که طبق نظر او این موضوع عبارت از هفت دوره می‌باشد: (ص ۶۲ - ۶۱).
دوره اول: دوره شکل‌گیری اولین انسان‌ها در حدود «تاجیکستان تاریخی»

دوره دوم: دوران شکل‌گیری قیل از اقوام آریایی کهن و هند و اروپایی و تشکیل تمدن «زردشتی - اوستایی».

دوره سوم: دوره شکل‌گیری اجتماعات دامپروری و کوچ‌نشینی ساکها و ماسازت‌ها و نیز اقوام کشاورز و شهرنشین «سغدی‌ها، باختری‌ها، خوارزمی‌ها، مرغیانی‌ها، فارسها و اقوام دیگر در حدود آلتای و پامیر هیمالیا در شرق تا سلسله کوههای قفقاز و در غرب تا سلسله کوههای زاگرس».

دوره چهارم: دوره تشکیل مردم تاجیک و ترکیب نژادی آنها سده ۵ تا ۱۰ م. و تشکیل و رونق «احیای تاجیکان» سده ۵ تا ۱۱ م.
دوره پنجم: دوره معجزه تاریخ تاجیک که خود شش قرن مطرح بود. (۱۰ تا ۱۵ م).

دوره ششم: دوران تیرگی حیات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و از هم‌پاشیدگی تاجیکان و دوران ترکیب ملیت‌ها و اقوام مختلف. این دوران، عصر فتودالیزم ساکن (۱۶ تا ۱۹ م) نیز قلمداد می‌شود.
دوره هفتم: دوره احیاء مجدد مردم تاجیک در قسمتی از حدود «تاجیکستان تاریخی» که این دوره‌بندی تاریخ تمدن و تحول نژادی تاجیک، تقریباً با ۵ دوره‌ای که قبلاً ذکر شد، هماهنگی منطقی دارد. ولی قبول کامل این مسأله چندان آسان نیست.

چنانکه ذکر شد، فصل دوم کتاب در مورد شکل‌گیری ملیت تاجیک بود و در این فصل، محقق براساس دلایل زیاد تاریخی و باستان‌شناسی، حدود شکل‌گیری جامعه مردم تاجیک را، در طول تاریخ مورد بررسی قرار داده است. در این قسمت حدود ماوراءالنهر و خراسان را همراه با مهمترین شهرهای این حدود به عنوان مناطق شکل‌گیری مردم تاجیک معرفی کرده است. یکی از موضوعات مورد توجه نعمت اوف در این بحث، مسأله دوران شکل‌گیری و ترکیب قومی مردم تاجیک می‌باشد که طبق نظر وی دوران اول شکل‌گیری مردم تاجیک مطابق است با دوران حکومت سلسله ساسانیان، که در این دوران حدود خراسان با مهمترین شهرهای آن (مرو، هرات و بلخ) تابع حکومت ساسانیان بودند. طبق نظر نویسنده در این دوران در نتیجه نزدیک شدن اقوام فارسی زبان این حدود، مرحله اول شکل‌گیری مردم تاجیک شروع شده است.

دوران دوم روند شکل‌گیری مردم تاجیک از زمانی آغاز می‌شود که اقوام فارسی زبان ماوراءالنهر در این روند شرکت می‌کنند

می‌توان گفت که کلمه تاجیک، قبل از حمله اعراب در زبان فارسی پهلوی وجود داشته است و تاجیک در زمان سامانیان به معنی مردم یا ملیت آسیای میانه و خراسان که به زبان فارسی صحبت می‌کردند، قلمداد می‌شده و نتیجه این است که منشأ تاجیکان، هیچ‌گاه عرب نبوده، بلکه ایرانی بوده است.

نعمت اوف، براساس اطلاعات تاریخی و باستان‌شناسی و براساس بررسی نوشته‌های دانشمندان مشهور معاصر شوروی و خارجی، تمدن سغدی را در تاریخ بشر به عنوان عامل اصلی نزدیکی اقوام مختلف منطقه بزرگ شرق، معرفی می‌کند

این روند در طول تاریخ (تاجیکستان تاریخی) بیشتر توجه می‌کند. این بخش از دیدگاه علم زبان‌شناسی ایران قابل توجه است و نقد و بررسی این موضوع خود مسأله‌ای جداگانه است. (ص ۱۰۴ - ۸۶). دیدگاه نعمت اوف درباره مفهوم تاجیک نیز قابل توجه است. به نظر او کلمه تاجیک به عنوان یک ملیت در دوران ساسانیان و بعد از آن وجود داشت و آن گونه که نویسنده نشان می‌دهد، تاجیکان مردمان فارسی زبان ماوراءالنهر می‌باشند که در دوران ساسانیان تا سامانیان در این حدود زندگی می‌کردند. نویسنده معتقد است که زبان فارسی - همان زبان تاجیکی است و تاجیک نیز همان فارسی زبان است. (ص ۱۱۲ - ۱۰۴)

در این بخش نعمت اوف نظریه محققان شوروی از قبیل و. و. بار تولد، و. ا. ل. خراموف، ا. ک. بارخاکوف، صدرالدین عینی، ا. ب. یژنستام، و. ا. لیوشیتس و... را مورد نقد و بررسی قرار داده است و در نتیجه نعمت اوف. همان نظری را که در کتاب دولت سامانیان در سال ۱۹۹۷ برای اولین بار به زبان روسی چاپ شده بود، تکرار می‌کند. او می‌نویسد: «نام تاجیک اولین بار در منابع دوران یورش اعراب پیدا می‌شود و در ادبیات و منابع فارسی پهلوی مفهوم تاجیک به شکل تاپیک - تازیک به معنای عرب و عربی می‌آید. (ص ۱۰۸) هم‌چنین در اسناد تاریخی سغدی از کوه مغ کلمه «تاژیک» به معنی عرب آمده است و و. ا. لیوشیتس براساس تحقیق زبان‌شناسی، ذکر می‌کند که کلمه تاجیک از کلمه پارتی یعنی «عرب» به زبان سغدی انتقال یافته و از سغدی به زبان فارسی دری وارد شده است. و بر این اساس می‌توان گفت که کلمه تاجیک، قبل از حمله اعراب در زبان فارسی پهلوی وجود داشته است و تاجیک در زمان سامانیان به معنی ایرانی بومی مسلمان بوده و در ابتدای نیمه اول قرن (۱۱ م. / ۴ ه. به معنی مردم یا ملیت آسیای میانه و خراسان که به زبان فارسی صحبت می‌کردند، قلمداد می‌شده و نتیجه این است که منشأ تاجیکان هیچ‌گاه عرب نبوده بلکه ایرانی بوده است. طبق نظر نعمان نعمت اوف، نظریه‌های دیگری که اخیراً در مورد معنی تاجیک در آثار دانشمندان بیان شده، چندان علمی نیستند و می‌توان آنها را به آسانی رد کرد. (ص ۱۰۹)

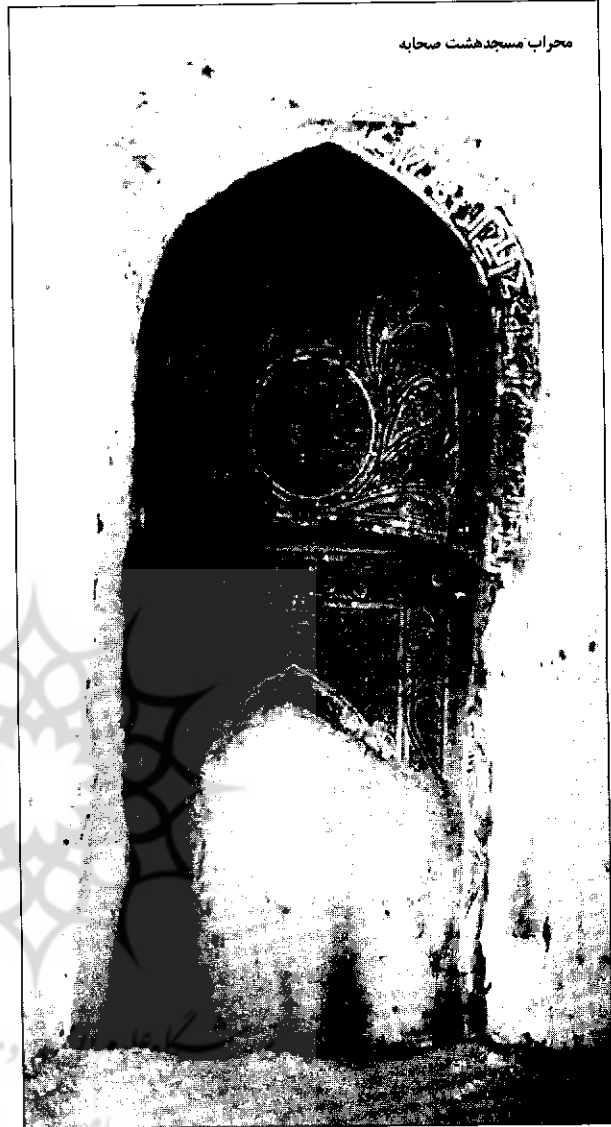
(سغدی‌ها، خوارزمی‌ها، فرغانی‌ها و اقوام مختلف سکایی). ویژگی و مشخصه اصلی این دوره گسترش زبان فارسی دری از خراسان به ماوراءالنهر یعنی بخارا، سمرقند، تخارستان، خوارزم، خجند، فرغانه، بدخشان و وادی‌های تیان‌شان و پامیر و شکل‌گیری زبان فارسی دری در حدود ماوراءالنهر و خراسان است. (ص ۸۲ - ۸۰).

دوره سوم: دوره انتهای شکل‌گیری مردم تاجیک است که دقیقاً مرتبط با تاریخ دولت سامانیان می‌باشد. در این دوره، تمام زمینه‌های شکل‌گیری مردم تاجیک با تمام عناصرش مهیا گردید و وجود محدوده مشترک زبان و فرهنگ مشترک اقوام ایرانی زبان خراسان و ماوراءالنهر که قبل از سامانیان موجود بود، در این زمان به یک نیروی قوی متحدکننده تبدیل شد. (ص ۸۳ - ۸۲).

یکی دیگر از موضوعات مهم این بخش بررسی ترکیب اقوام مختلف و شکل‌گیری ملیت تاجیکان است. نویسنده براساس اسناد فراوان باستان‌شناسی، تاریخی، زبان‌شناسی، مردم‌شناسی و... نشان می‌دهد که اجزاء مردم تاجیک عبارتند از اقوام ایرانی زبان مناطق بزرگ آسیای مرکزی (یعنی سغدی‌ها، اسروشتی‌ها، مرغیانی‌ها، پارت‌ها، خوارزمیان، فرغانیان) و اقوام مختلف سکایی بیابان آسیای مرکزی و سکایی‌های تیان‌شان و پامیر علیا. (ص ۸۴).

چنان‌که نویسنده ذکر می‌کند، این اقوام به زبان‌های ایرانی که با زبان تاجیک هم‌ریشه هستند صحبت می‌کردند و شیوه زندگی آن‌ها اساساً کشاورزی بود، به جز اقوام سکایی. هم‌چنین مؤلف در شکل‌گیری ملیت تاجیک، جایگاه اقوام هیاطله و ترکان که در قرن چهارم تا هشتم به حدود آسیای مرکزی وارد شده و نیز ورود اعراب که حتماً در آسیای مرکزی ساکن شده بودند را ذکر می‌کند و تأکید می‌نماید که اقوام مذکور در شکل‌گیری ملیت تاجیک همه به یک اندازه نقش نداشتند، بخصوص بررسی و نقش و جایگاه اقوام کوچ‌نشین از مسائل دشوار است. براساس دلایل و اطلاعات زیاد باستان‌شناسی و علوم دیگر، نعمان نعمت اوف سعی می‌کند نشان دهد که در شکل‌گیری ملیت تاجیک، اساساً اقوام ایرانی نژاد و فارسی زبان آسیای مرکزی نیز نقش داشته‌اند. (ص ۸۶ - ۸۴)

در این فصل نعمان نعمت اوف به تحول زبان و ویژگی‌های



طبق نظر «نعمت اوف» در سده‌های ۱۱-۹ م/ ۵-۳ هـ. ق عنصر تعیین کننده تمدن، باز همان جهان بینی ایرانی بوده است

سغدی‌ها در سده‌های ۱۰-۹ م؛ جمعیت اصلی ولایات بزرگ هفت رود را تشکیل می‌دادند و شهرهای سغد نشین با وجود اینکه رسماً تابع حکومت خاقان ترک بودند، ولی در عمل خودمختار رفتار می‌کردند. مهم‌ترین نقش سغدی‌ان در این عصر، در اختیار داشتن حیات اقتصادی و مناسبات بازرگانی خاقان ترکی غربی بوده است

بین‌المللی و تجارت به حساب می‌آمد.

در این بخش نویسنده جایگاه خط سغدی را در پیشرفت و رونق فرهنگ مغولستان و ترکستان، مهم ارزیابی می‌کند. توسط همین خط و زبان سغدی، فرهنگ و جهان بینی سغدی که اساساً در آسیای میانه شکل گرفته بود، تدریجاً به نقاط دیگر گسترش یافت. آثاری از تفکرات زردشتی‌گری و مانویت و امثال اینها در میان مردمان چین و ماچین مشاهده می‌شود.

این نظریات پرفسور نعمت اوف توسط محققان و دانشمندان کشورهای دیگر نیز تأیید می‌شود. در این بخش نعمان نعمت اوف، روند انتقال فرهنگ از یک نسل به نسل بعد را از دیدگاه فلسفی مورد بررسی قرار می‌دهد. محقق براساس تحقیقات و پژوهش‌هایی که محققین در مورد آسیای مرکزی انجام داده‌اند می‌گوید: هر چند که در منطقه آسیای مرکزی اقوام مختلف هم چون (عربی، سغدی، ترک و...) وجود داشتند و در طول تاریخ در روند تحولات سیاسی - اجتماعی منطقه، جایگاهی داشته‌اند ولی نقش آنها همیشه یک نواخت و یکسان نبوده است. هر چند نقش آفرینی اقوام فوق بعد از اسلام گسترده و وسیع بوده ولی هنوز به طور علمی دقیقاً مورد بحث و مطالعه قرار نگرفته‌اند. او معتقد است در این زمینه اصطلاحات غیرعلمی زیادی به کار می‌رود مثلاً تعبیر نامفهوم «دوران قبل از اسلام یا بعد از اسلام» یا خود مفهوم «فرهنگ و هنر اسلامی» و... را دقیقاً علمی نمی‌داند. (ص ۱۲۱). به نظر چنین می‌آید که این اصطلاحات از منطق علمی محکمی برخوردار نیستند و در بعضی موارد مصنوعی می‌باشند که مرزها و دوران عهد عتیق و تاریخی ابتدای قرون وسطی را از سوی دیگر نمی‌دانند. از نظر وی بسیاری از دانشمندان جایگاه دین اسلام را به حد ایده‌آل رسانده‌اند و جایگاه آن را در تاریخ تمدن و فرهنگ تعیین کننده می‌دانند و حتی در بعضی موارد نقش انقلابی داشتن اسلام را در تمدن شرق می‌خواهند

یکی از موضوعاتی که در فصل سوم مورد بحث قرار گرفته مربوط به جایگاه تمدن سغد در تاریخ و فرهنگ کشورهای شرق است. در این بخش، نویسنده براساس اطلاعات تاریخی و باستان‌شناسی و براساس بررسی نوشته‌های دانشمندان مشهور معاصر شوروی و خارجی، تمدن سغدی را در تاریخ بشر به عنوان عامل اصلی نزدیکی اقوام مختلف منطقه بزرگ شرق، معرفی می‌کند. آثار تمدن سغد از دوران کهن (هزاره چهارم قبل از میلاد تا سده ده میلادی)، اساساً در حوزه رودخانه زرافشان، کشف شده است. این تمدن در شکل‌گیری فرهنگ‌های مختلف اقوام آسیای مرکزی، ترکستان، چین، مغولستان و شرق مؤثر بوده است. (ص ۱۲۸-۱۱۳).

جاده ابریشم یکی از عوامل رشد و رونق و گسترش زبان سغدی در آسیای میانه تا شرق دور گردید و در طول قرن‌ها این زبان، در ردیف زبان‌های چینی قرار داشت، نیز یکی از زبانهای

آثار تمدن سغد از دوران کهن (هزاره چهارم قبل از میلاد تا سده ده میلادی)، اساساً در حوزه رودخانه زرافشان، کشف شده است. این تمدن در شکل‌گیری فرهنگ‌های مختلف اقوام آسیای مرکزی، ترکستان، چین، مغولستان و شرق مؤثر بوده است

جاده ابریشم، یکی از عوامل رشد و رونق و گسترش زبان سغدی در آسیای میانه تا شرق دور گردید و در طول قرن‌ها این زبان، در ردیف زبان‌های چینی قرار داشت نیز یکی از زبان‌های بین‌المللی و تجاری به حساب می‌آمد

نشان دهند.

طبق نظر نعمت اوف، اغلب دانشمندان در بررسی‌های خود نقش مؤثر عناصر اجتماعی و اقتصادی جوامع را در نظر نمی‌گیرند، چنانچه کشفیات باستان‌شناسی شهرهای پنج کنت، بمجیکت (شهرستان)، افراسیاب (سمرقند) و رخسه و... می‌تواند دیدگاه نسبت به مسائل فوق‌الذکر را تغییر دهد. (ص ۱۲۸ - ۱۲۱)

طبق نظر این محقق در سده‌های ۱۱-۹ م / ۵-۳ هـ. ق عنصر تعیین‌کننده تمدن، باز همان جهان‌بینی ایرانی بوده است. به این دلیل است که نعمت اوف از ویژگی تمدن دوران سامانیان و بعد از آن تحت عنوان احیاء سامانیان یا احیاء تاجیکان نام می‌برد که همان «رنسانس ایرانی» یا «احیای ایرانی» است. به نظر وی مظاهر فرهنگ و تمدن این دوره، (فلسفه، ادبیات، هنر، معماری و...) باز هم ریشه در ایرانیت (سغدی، خوارزمی، پارتی و...) دارد. (ص ۱۴۲ - ۱۲۸).

نعمان نعمت اوف در بخش چهارم کتاب، معجزه تاریخی تاجیکان را طی سده‌های ۱۰ تا ۱۵ م / ۴ تا ۹ هـ. ق بررسی می‌کند. مهمترین مباحث این فصل، تاریخ تأسیس دولت سامانیان، وضع اقتصاد و تجارت در عهد سامانیان و در ماوراءالنهر و خراسان است. همچنین حیات فرهنگی، علمی، ادبی، هنر و معماری در این دوران مورد بررسی قرار گرفته است که در واقع خلاصه بخش‌های کتاب دولت سامانیان خود نویسنده است. در این بخش فصلی به بررسی تاریخ دولت‌داری‌ها اختصاص دارد. فرغانیان در ماوراءالنهر، غزنویان در خراسان، همچنین تاریخ سلجوقیان در آسیای مرکزی و ایران، نهضت اسماعیلیان در عصر سلجوقیان، ورود قراختانیان به ماوراءالنهر، دولت خوارزمشاهیان در ماوراءالنهر خراسان، شورش مردمی ملک سنجر در بخارا (۱۲۰۶ م) مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین، در این بخش مسائل مربوط به ظلم و ستم

فتودال‌ها، وضعیت کشاورزی، انواع زمین‌داری (اقطاع و...) گسترش شهرنشینی، صنایع دستی، تجارت، حیات فرهنگی، علمی، ادبی و... بحث شده است. بررسی تاریخ دوران مغول و ویژگی‌های این دوره نیز در بخش مذکور به طور مختصر آمده است. در این بخش مؤلف به وقایع سیاسی - نظامی، از جمله محاصره خجند، تصرف شهرهای ماوراءالنهر، شورش محمود تارابی (۱۲۳۸ م) و... توجه کرده است و مبحث کوتاهی نیز در مورد حکومت کرتها و قسمتی نیز در مورد سرداران خراسان و سمرقند آورده است. (ص ۲۱۵ - ۱۴۳).

در این بخش حیات علمی، فرهنگی، ادبی، در زمان مغولان نیز به طور مختصر بررسی شده است. از مهمترین موضوعات این بخش نظریه نعمت اوف درباره تمدن سده ۱۵ م / ۹ هـ. ق آسیای مرکزی است که بعد از بررسی‌های انتقادی آثار و تألیفات پژوهشگران و محققین شوروی و خارجی در مورد تاریخ و تمدن سده ۱۵ م / ۹ هـ. ق سعی می‌کند نظریه جدیدی را ارائه دهد. او هر چند نقش آفرینی اقوام ترک در منطقه آسیای مرکزی و ایران و جایگاه ویژه آنها را می‌پذیرد، اما هیچ‌گاه آنان را به عنوان عناصر تعیین‌کننده و اساسی در فرهنگ و تمدن این منطقه نمی‌شناسد. بررسی و تحقیق موضوعات مختلف تمدن این دوره (فلسفه، ادبیات، هنرهای زیبا، معماری، علوم مختلف و...) نشان می‌دهد که در شکل‌گیری و رونق تمامی این عناصر فرهنگ و تمدن، عنصر تعیین‌کننده همان عنصر ایرانی و در آسیای مرکزی تاجیکی بوده است و حتی در شکل‌گیری و رونق فرهنگ و جهان‌بینی بعد در آسیای مرکزی، از ازبک‌ها، قزاقها، قرقیزها، ترکمن‌ها و... متأثر از فرهنگ و جهان‌بینی تاجیکی بوده‌اند و زبان تاجیکی (فارسی) در زبان و ادبیات ترکی جغتایی (ازبکی) تأثیر زیادی داشته است. البته نویسنده، جایگاه اقوام ترکی زبان منطقه آسیای مرکزی و ایران را در شکل‌گیری فرهنگ و تمدن سده ۱۵ م / ۹ هـ. ق را می‌پذیرد و اشاره می‌کند که آنها نیز در ردیف تاجیکان و ایرانیان در روند تحولات فرهنگی و اجتماعی منطقه مزبور نقش داشته‌اند و نمی‌توان نقش تعیین‌کننده را تنها به یکی از این اقوام داد. پس بنابراین تمدن این دوره را می‌توان تمدن آسیای میانه‌ای نامید نه تمدن عهد تیموری یا ترکی و... (ص ۲۳۴ - ۲۱۵).

فصل پنجم کتاب معجزه تاجیک، ارتباط فرهنگی و تمدن شرق و غرب را بررسی می‌کند. در این بخش، نعمان نعمت اوف، سعی می‌کند جایگاه اقوام مختلف کشورهای شرق و غرب (چین، سغدی، فارس‌ها، هندوها، سوریاتی‌ها، یونانی‌ها و...) و رونق تمدن بشری را مورد بررسی قرار دهد. در بررسی این موضوع مؤلف توجه زیادی به جایگاه سغدیان، در انتقال تمدن ایرانی به چین و ماچین کرده است. براساس پژوهش‌های علمی و کشفیات باستان‌شناسی، نشان داده شده که سغدیان از زمان کهن تا قرن سیزده میلادی در ولایت‌های بزرگ مثل چین، مغولستان، ماچین و... برای خود شهر و شهرک‌های سغدنشین داشتند و طبق تحقیقات محققان، این شهرها تا اندازه‌ای خودمختار بودند و در حیات فرهنگی، اجتماعی،

پژوهش‌های علمی و کشفیات باستان‌شناسی، نشان داده که سغدیان از زمان کهن تا قرن سیزده میلادی در ولایت‌های بزرگ مثل چین، مغولستان، ماچین و... برای خود شهر و شهرک‌های سغدشنین داشتند و طبق تحقیقات محققان این شهرها تا اندازه‌ای خود مختار بودند و در حیات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی این سرزمین‌ها نقش مؤثری داشته‌اند

انتقال علم و فرهنگ در مشرق نقش به‌سزایی داشتند. نویسنده در بررسی‌های خود فرهنگ و تمدن ایرانی را در رواج و رونق تمدن غرب نیز مؤثر می‌داند و عنصر اصلی انتقال فرهنگ و تمدن شرق به غرب را، اساساً فارس‌ها و تاجیکان و اعراب و... ذکر می‌کند.

راجع به تأثیر فرهنگ شرق بر غرب تحقیقات زیاد و گسترده‌ای انجام شده است. چنانکه نویسنده در کتاب نشان داده، تمدن کهن ایرانی ابتدا در منطقه خاورمیانه و خاور دور استوار و سپس به تدریج وارد کشورهای اروپایی شده است. لذا روند انتقال تمدن ایرانی به کشورهای غرب در طول تاریخ، (از دوران هخامنشی، اسکندر، سلوکی‌ها، پارتها، ساسانیان، سامانیان و...) را مورد بررسی قرار می‌دهد. (ص ۲۴۴ - ۲۴۱).

نویسنده ضمن بررسی‌های خویش، جایگاه دانشمندان بزرگ مشرق از قبیل محمدبن موسی الخوارزمی، ابونصر محمدابن محمد فارابی، زکریای رازی، ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی و بسیاری دیگر از دانشمندان ایرانی - اسلامی را به طور مفصل در انتقال فرهنگ ایران به غرب مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. (ص ۲۹۲ - ۲۴۳).

آن چنانکه نویسنده براساس تحقیقات و پژوهش‌های دانشمندان مطرح می‌کند، بسیاری از دانشمندان که در انتقال فرهنگ و تمدن ایران به غرب نقش داشته‌اند، اکثراً ایرانی و تاجیک و اساساً زاده ماوراءالنهر، خراسان و فارس بوده‌اند. تأثیر رنسانس ایران (قرن ۳ - ۵ هـ. ق) بر رنسانس غرب یکی از مسائل مورد بحث کتاب است.

مؤلف در این بخش به گونه‌ای تحلیلی و تطبیقی، نشان داده که در تمام مظاهر رنسانس اروپا، نشانه‌هایی از تمدن ایرانی و رنسانس ایرانی را می‌توان دید. در این زمینه گرچه تحقیقات زیادی صورت گرفته، هنوز مسائل زیادی هست که نیاز به تحقیقات دامنه‌دار و وسیع دارد.

با توجه به این تحقیقات می‌توان نتیجه گرفت که یکی از مهمترین عوامل پیشرفت فرهنگ و تمدن بشر در نتیجه وسعت و گسترش ارتباط و انتقال تمدنها بوده است و هیچ یک از تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف نمی‌توانند به تنهایی به پیشرفت و ترقی دست یابند. نیاز به ارتباط در ذات همه فرهنگ‌ها وجود دارد. اکنون هم در اواخر سده بیست و اوایل سده بیست و یک تمدن‌ها بیشتر به ارتباط و گفتگو نیازمند شده‌اند.

سیاسی و اقتصادی این سرزمین‌ها نقش مؤثری داشته‌اند. به این دلیل نقش سغدیان منطقه آرداس، لوج ژاو، لیچ ژاو، خن ژاو، سیتیچ ژاو، ایچ ژاو، و سیتیچ ژاو (قرن ۷ میلادی) زیاد بوده است که در آثار محققان ذکر شده است. (ص ۲۴۱ - ۲۳۵)

با توجه به اسناد تاریخی مندرج در کتاب، سغدی‌ها در سده‌های ۹ و ۱۰ م جمعیت اصلی ولایات بزرگ هفت رود را تشکیل می‌دادند و شهرهای سغدشنین با وجود این که رسماً تابع حکومت خاقان ترک بودند، ولی در عمل خودمختار رفتار می‌کردند. مهم‌ترین نقش سغدیان در این عصر، در اختیار داشتن حیات اقتصادی و مناسبات بازرگانی خاقانات ترکی غربی بوده است. نعمت اوف همچنین در مورد شهر و شهرک‌های سغدشنین شرق دور از جمله در سواحل رودخانه «سلنگ» شهرک سغدشنین پای بالغ را که توسط سغدیان بوجود آمده بود و همچنین از شهرک‌های کوچک سغدشنین که در ساحل اقیانوس آرام و همچنین در سواحل دریا‌های شرق دور موجود بوده‌اند، نام می‌برد. طبق تحقیقات انجام شده آن شهرک‌ها از لحاظ ساختار و کارکرد شبیه شهرهای سغدشنین آسیای مرکزی بوده است. چنانکه در این بخش ذکر شده آثاری از مظاهر فرهنگ و تمدن سغدی در برخی از تمدن‌های کهن ژاپن نیز پیدا شده است، از جمله آلات موسیقی که منشأ آن وابسته به بارید مروزی بوده است در آن منطقه بدست آمده است. (ص ۲۴۱)

جایگاه و نقش سغدیان در منطقه چین و ماچین به اندازه‌ای بوده که حتی حکومت را در برخی از این شهرها در دست گرفته‌اند. چنانچه، در قرن ۴ هـ. ق در شهر «تون خوهن» چین، سلسله حکومت محلی سغدی همواره با حکمرانان ایغور، گنج ژاور حکومت را در دست گرفته بودند.

زبان فارسی در سده‌های ۳ و ۴ هجری در آسیای مرکزی شکل گرفت و توسط سغدی‌ها و تاجیکان، در منطقه هفت رود و تون خوهن گسترش یافت. (ص ۲۳۶)

بعد از حمله مغول که ارتباط منطقه آسیای میانه با چین بیشتر شد، بسیاری از نمایندگان علمی و فرهنگی ایران زمین به چین رفتند و به فعالیت‌های علمی و فرهنگی مشغول شدند. یکی از این شخصیت‌ها، جمال‌الدین زید بخاری بود که در رصدخانه خان بالغ فعالیت علمی خود را ادامه داد و با همکاری منجمان چینی اصلاحاتی در تقویم چینی انجام داد.

چنان‌که نویسنده ذکر می‌کند، سغدیان در رونق و گسترش و

هر چند در منطقه آسیای مرکزی، اقوام مختلف (همچون عربی، سغدی، ترک و...) وجود داشتند و در طول تاریخ در روند تحولات سیاسی-اجتماعی منطقه، جایگاهی داشته‌اند، ولی نقش آنها همیشه یکنواخت و یکسان نبوده است. هر چند نقش آفرینی اقوام فوق بعد از اسلام، گسترده و وسیع بوده است

دولت‌های ترک محصور است. با وجود جبر تاریخ، تاجیکان که همان ایرانیان هستند توانستند با حفظ روح تاریخی ایرانی، ساختار هویت ملی و تاریخی خود را حفظ کنند، و در نتیجه تلاش‌های سخت فکری، سیاسی و حتی نظامی توانستند کشور خود را به عنوان تاجیکستان حفظ نمایند، این بهترین دست‌آورد مردم تاجیک در سده بیستم است. (ص ۳۵۸ - ۳۴۱)

نعمت اوف معتقد است، چون مردم تاجیک از زمینه‌ها و پیشینه قومی فرهنگ و تمدن و اندیشه‌های سازندگی و بشر دوستانه‌ای برخوردار هستند، در نظام نوین سده بیست و یکم می‌توانند جایگاه واقعی و مناسب خود را پیدا کنند. (ص ۳۸۱ - ۳۷۰)

می‌توان گفت نعمت اوف در کتاب خود توانسته است هویت تاریخی مردم تاجیک را به‌طور همه‌جانبه با تمام جزئیات نشان دهد، و بدون شک این کتاب یکی از کتابهای مهم در میان دستاوردهای علمی تاجیکستان و ایران‌شناسی است و از جایگاه ارزنده‌ای برخوردار است.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- Negmatov N. N. Tadzhikskig fenomen. Istoriya teoriya, Izd. Ali Saman. Dushanbe, 1997.
- ۲- همان، ص ۱۹ - ۵ (منابع و مآخذ، ص ۱۹ - ۱۸). برای مطالعه از نقدهای جدید نسبت به این کتاب نعمت اوف ر. ک به: Gunbish, 1999, Zaichenko M., Saifiddinov M.S. Phenome G. Razmish leniya ob nologiya natsional nogo dukha = = Pravda, 1999, No= 23, ot 13. N3, fevral, S. 5, Khaidarov 03. i No= 24, ot. 24.03@ Makimov P. istorii Otechestva otr Dzhivotvornaya nit, medzhdu proshlim i budushim 8. 04, s. 3@ = Narodnaya gazeta. 1999, No = 14 (19089), همچنین به زبان تاجیکی: ضیا عبدالله. معجزه تاجیک: نظریه و تاریخ. - روزنامه جمهوری، شماره ۱۵ - ۱۴، از تاریخ ۱ مارس سال ۲۰۰۱، ص ۳؛ اکراموف، باباجان. شمع در نیمه شب فروزان گشته، انتشارات ورارود. خجند، ۲۰۰۱، ص ۴۰. اخیراً در رابطه با اهمیت کتاب نعمان نعمت اوف در شهر خجند نقد و بررسی دکتر حیدرشا پرومشاریوف به زبان روسی به چاپ رسید. Pirumshoev Kh. Tadzhiksiy fenomen: academa Numona Negmatova. Khudzhane, 2001 - 245.

به این خاطر است که نعمت اوف در بخش‌های اخیر کتاب خود افکار ملی‌گرایی برخی از دانشمندان شوروی و خارجی را مورد انتقاد قرار می‌دهد. از این لحاظ انتقاد مؤلف بر افکار ملی‌گرایی محقق نامی شوروی، ل. ن. گومیلیاف جالب توجه است. گومیلیاف در نوشته‌های خویش، جایگاه اقوام ترک زبان در تاریخ کشورهای شرق روسیه را مهم ارزیابی می‌کند و تأثیر اقوام ترک و مغول را در آنها قابل توجه می‌داند. نعمت اوف براساس اسناد مختلف نشان می‌دهد که روح تاریخ ایرانی چنانکه گومیلیاف نشان داده است، ضعیف و ناتوان نبوده است، بلکه دارای اراده‌ای قوی و استوار بوده و حمله‌ها و یورش‌های مختلف بیگانگان (اعراب مغول و ترک و...) نتوانسته است این روحیه را بشکند. برخلاف اندیشه‌های پان‌ترکیسم، در روح تاریخی ایران همواره نیروی سازندگی، بلندهمتی، صلح‌جویی و بشردوستی وجود داشته است، نه نیروی تخریب و ستیزه‌جویی. برای نمونه، نویسنده به قسمتی از تاریخ تاجیکان آسیای مرکزی اشاره می‌کند و می‌گوید: تاجیکان، هیچگاه روحیه جنگجویی و ستیزه‌جویی و تخریب نداشتند. اما اگر نظر اجمالی به نقش اقوام ترک و مغول در منطقه ایران و آسیای میانه انداخته شود می‌توان مشاهده کرد که طی چندین سده، روحیه تخریب و ستیزه‌جویی آنها، بیشتر از روحیه زندگی‌شان بوده است، و آن سعی که این سلسله‌های ترکی در اقتصاد و فرهنگ و تمدن ایران و آسیای میانه دارند، اگر با روحیه تخریب آنها مقایسه شود بسیار ناچیز است. از این رو ایده‌آل پنداشتن روحیه اقوام ترک و مغول در تاریخ یک اشتباه محض تاریخی است. (ص ۳۲۷ - ۳۲۶).

پرفسور نعمت اوف در ادامه بحث خود، دست‌آوردها و ناکامی‌های (فراز و فرود) تاریخی تاجیکان را مورد بررسی قرار می‌دهد. به عقیده او از مهمترین ناکامی‌های تاجیکان در طول تاریخ این است که تاجیکان تدریجاً از شهرهای بزرگ خود بر اثر فشار و هجوم اقوام بیگانه، به‌ویژه اقوام ترک و مغول، خارج شده، به مناطق کوهستانی کوچ کرده‌اند. و این روند، در طول چند صد سال ادامه داشت و حتی تا ابتدای سده بیست نیز کشیده شد. سیاست پان‌ترکیسم حکومتگران و روشنفکران آسیای مرکزی (متأثر از پان‌ترکیسم: روسیه) باعث شده است تا تاجیکان در سده بیست از مهمترین شهرها و مهد تمدن شهری خود جدا شوند. آنچه اکنون به نام تاجیکستان مشهور است، کوچک‌ترین بخش مردم تاجیک‌نشین می‌باشد که واقعاً مانند یک جزیره ایرانی در دریایی از اقوام و